

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه زلزال

استاد ضرابی دیماه ۱۳۹۹

جلسه دوم/۱۸/۱۰/۹۹

آیات شریفه : «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱) وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲) وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳) - آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود (۱) و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند (۲) و انسان گوید [زمین] را چه شده است (۳)»

عنوان : به یاد و توجه سزاوارترین است!!!

«إِذَا»: اگر بگوئیم همه محتوای سوره در همین کلمه جمع شده دور از صواب نیست؛ در مثل مانند این است که در یک کلمه عاشورا که به اندازه ابدیتی حکایت دارد، کسی را متوجه ماجرا کنی و او دیگر منتظر شنیدن چیز دیگری نماند و همه آنچه را باید دریافت کند در همان یک کلمه دریافت کند. یا اینکه اگر گفته شود: «جمعه خونین» که یادآور فاجعه فراموش نشدنی در مکه مکرمه است؛ (غاصبین حرمین شریفین با وجود حرمت مسلم هتک حرمت خانه خدا، حاجیان مُحرم را که هیچگونه سلاحی با خود نداشتند به رگبار بستند و خون پاکشان را در حرم امن الهی بر زمین ریختند در حالی که اگر می‌خواستند، بدون هیچ زحمتی می‌توانستند آنها را به جرم پاکیشان و ایمان به خدا و ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و حمایت از خمینی کبیر دستگیر کرده در محل دیگری به دار مجازات بیاویزند.) کسی که این ماجرا را می‌داند، کافی است که به او بگوئید «جمعه سیاه» دیگر منتظر مطلب دیگری نمی‌ماند.

اما اگر نداند و بخواهد از طریق حکایت کلمات و جملات پی به این ماجرا ببرد از جمعه سیاه، همه چیز را دریافت نمی‌کند. در این سوره شریفه «إِذَا» که مسأله یاد و توجه به زمان مطرح می‌شود جای این سؤال پیش می‌آید که چه زمانی سزاوارتر است برای یاد آوری و توجه؟ دنباله آیه جواب سؤال ما را می‌دهد؛ « إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا » زلزال قیامت، روز لقاء انسان با خدا یعنی زمانی که فرصت عمل در دنیا تمام شده و زمان حصول نتیجه فرا رسیده است. امام علی علیه السلام فرمود: « إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ، وَغَدَا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ - امروز روز عمل است نه حسابرسی و فردا روز حسابرسی است نه عمل » (غرر الحکم / ۱۱۰۰۰)

اولین آیه سوره مبارکه زلزال (از نظر محتوا) منطبق است بر آخرین آیه همین سوره که حساس‌ترین زمان را از مراحل انتقال به برزخ و قیامت مطرح می‌کند « وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ » مواجهه هر کس با بدی‌هایی که از او سرزده است که به اندازه ذره‌ای بدی، نادیده گرفته نمی‌شود .

پس قیامت روز عرض اکبر ست	عرض، او خواهد که با کرّ و فرست
هرکه چون هندوی بد سودایی است	روز عرضش نوبت رسوایی است
وآنکه سرتا پا گُل است و سوسن است	پس بهار او را دو چشم روشن است

عنوان : حکایت زلزله چیست؟

همان‌طور که زلزله قیامت و خرابی آن نشان انتقال از عالمی به عالم دیگر است در حیات طبیعی موجودات دائماً شاهد این صحنه بوده ایم و هستیم:

گندمی را زیر خاک انداختند	پس ز خاکش خوشه‌ها برداشتند
بار دیگر کوفتندش ز آسیا	قیمتش افزود و نان شد جانفزا
باز نان را زیر دندان کوفتند	گشت عقل و جان و فهم سودمند

در زندگی ما بعضی امور به منزله ابزار و ادوات برای تحصیل امور دیگرند و خود آنها مقصود نیستند مثلاً کشاورز گندم می‌کارد و این کاشتن مقدمه لازم برای داشتن محصول است داشتن محصول نیز مقدمه است برای فروش آن و برای تهیه محصولات دیگر یا تبدیل همان محصول گندم به آرد و تبدیل آرد به نان و خوردن است اگر بررسی که خوردن هدف است یا مقدمه؟ خواهند گفت که معلوم است می‌خوریم تا زنده باشیم. (خوردن برای زیستن است نه زیستن برای خوردن) خوب زیستن برای چیست؟ تا به اینجا همه می‌دانند که هیچکدام از این مراحل مقصود نیست اما همه این مسیر را ادامه نمی‌دهند تا به مقصود نهایی برسند و در میانه راه توقف می‌کنند. آیا لنگرگاه یا هدف زیستن (حیات و زندگی) پایانش همین دنیا است؟ یا زندگی در دنیا مقدمه حیات همیشگی است؟

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست چرا به دانه‌ی انسانیت این گمان باشد؟

کدام دلو فرو رفت و پر برون نامد زچاه، یوسف جان را چرا فغان باشد؟

به روایت این سوره شریفه، زلزله روز جزا برای «اخراج اثقال» و آنهم برای «تحدث اخبار» و آنهم برای «لیروا أعمال» و آن هم برای رسیدن به خیر و شر افعال است.

« إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكْتَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا - خداوند آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا از نظام خود منحرف نشوند و هر گاه منحرف گردند، کسی جز او نمی‌تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و غفور است. » [فاطر/۴۱]

ما انسان‌ها غالباً طوری تربیت نشده‌ایم که به جوهره و مغز آنچه که انجام می‌دهیم یا می‌بینیم و یا می‌شنویم، بیندیشیم و تفسیرمان از خیر و شرّ امور بسیار ظاهری و سطحی است. در آخرت، ما می‌رویم که جوهره و حقیقت خیر و شرّ اعمال خود را ببینیم و در مواجهه با میزان اعمال (انسان کامل)، به قدر خوبی‌هایمان و به اندازه بدیها و زشتیهایی که از آن توبه نکرده‌ایم، شاهد مرتبه‌ای و چهره‌ای دیگر از زندگی باشیم و این حکایت مدت اقامت ما در برزخ است تا نوبت به

قیامت برسد که کار یکسره شود؛ و وارد زندگی ابدی و دارالقرار بهشت یا معاذالله وارد جهنم بی‌قراری و عذاب ابد شویم .

عنوان: زمین اخبار خود را به «قسیم الجنة و النار» عرضه می‌دارد.

همانطور که قبلا هم گفته شد. (در سوره مبارکه عادیات) چه در دنیا و چه در آخرت ما محتاج میزان و شاخص سنجشی برای فهم خوب و بد اعمال خود هستیم. میزان سنجش، انسان کامل است. «وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا - و انسان گوید [زمین] را چه شده است»

«أَصَابَ النَّاسَ زَلْزَلَةٌ عَلَىٰ عَهْدِ أَبِي بَكْرٍ فَفَزِعَ إِلَىٰ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَصْحَابُهُ فَقَعَدَ عَلِيٌّ (عليه السلام) عَلَىٰ تَلْعَةٍ وَقَالَ كَأَنَّكُمْ قَدْ هَالَكُمُ وَ حَرَّكَ شَفْتَيْهِ وَ ضَرَبَ الْأَرْضَ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ مَا لَكَ اسْكِنِي فَسَكَنتُ ثُمَّ قَالَ أَنَا الرَّجُلُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ الْآيَاتِ فَأَنَا الْإِنْسَانُ الَّذِي أَقُولُ لَهَا مَا لَكَ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا إِيَّايَ تُحَدِّثُ - در زمان ابوبکر زلزله‌ای شد، اصحاب پناه به علی (عليه السلام) بردند، علی (عليه السلام) روی تپه‌ای نشست و با دست بر زمین زده لب‌های خود را حرکت داد و فرمود: «تو را چه شد آرام بگیر»؟ زلزله آرام شد سپس فرمود: «من همان مردی هستم که خداوند در قرآن می‌فرماید: إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا مِنْ انْسَانِي هَسْتُمْ كَهْ بَهْ اَوْ مِيْ كُوِيْمْ تُوْ رَا چِهْ شَدِهْ! يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا وَ بَهْ مِنْ اِخْبَارِ خُوْدِ رَا مِيْ كُوِيْدِ» (بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۷۹، ج ۴۱، ص ۲۵۴)

در روایت دیگری که از اصبع بن نباته وارد شده است می‌گوید: «عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نَبَاتَةَ قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ هُوَ يَطُوفُ فِي السُّوقِ فَيَأْمُرُهُمْ بِوَفَاءِ الْكَيْلِ وَ الْوَزْنِ حَتَّىٰ إِذَا انْتَهَىٰ إِلَىٰ بَابِ الْقَصْرِ رَكَضَ الْأَرْضَ بِرَجْلِهِ فَتَزَلْزَلَتْ فَقَالَ هِيَ هِيَ الْآنَ مَا لَكَ اسْكِنِي أَمَا وَ اللَّهُ إِنِّي الْإِنْسَانُ الَّذِي تُنْبِئُهُ الْأَرْضُ بِأَخْبَارِهَا - با امام علی (عليه السلام) بیرون رفتیم و ایشان در بازار می‌چرخید و بازاریان را به وفای در پیمان و وزن امر می‌فرمود، تا اینکه حضرت (عليه السلام) به در قصر رسید و با پای مبارک خود بر زمین کوبید و زمین به لرزه افتاد. حضرت (عليه السلام) فرمود: «هی هی! تو را چه شده؟ آرام بگیر. بدانید به خدا سوگند من همان

انسانی هستم که زمین او را از خبرهای خود آگاه می‌سازد» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۳۱۶)

فردا که هر کسی به شفیع زبند دست
ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی
یا رب، به نسل طاهر اولاد فاطمه
یا رب، به خون پاک شهیدان کربلا
دل‌های خسته را به کرم مرهمی فرست
ای نام اعظمت در گنجینه شفا

عنوان : اکنون باید خیر و شرّ اعمال خود را دید

از جمله اسرار مراحل رشد و کمال موجودات در عالم طبیعت همین است که انسان بالحس و العیان ببیند که آنچه در مرحله قبل بوده اکنون چگونه به ابعاد وسیعتر و کاملتری در مراحل بعد با شکل جدیدی به ظهور می‌رسد؛ ببیند که نه تنها از بین نمی‌رود بلکه با ابعاد بزرگتر و عظیمتری شکوفا می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: « الْحَمْدُ لِلَّهِ مُدَبِّرِ الْأَدْوَارِ وَ مُعِيدِ الْأَكْوَارِ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ وَ عَالَمًا بَعْدَ عَالَمٍ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤًا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى عَدْلًا مِنْهُ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَ جَلَّتْ أَلْوَاهُ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ... لِذَلِكَ قَالَ سَيِّدُنَا مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ تُرَدُّ إِلَيْكُمْ - حمد می‌کنم خداوندی را که مدبّر افلاک است، و بعد از هر قرنی، قرنی می‌آورد و بعد از هر زمانی زمانی انشاء می‌نماید؛ و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهای بدشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمال نیکشان پاداش دهد! (نجم/۳۱)، ... بنابراین آقایمان محمد (صلى الله عليه و آله) فرموده که: «همین اعمال شماست که در قیامت به‌سوی شما بر می‌گردد.» (توحیدالفضل، ص ۹۲)

در تعالیم قرآن همواره چهره طبیعی و این سویی پدیده‌ها که اثری ناچیز از چهره ملکوتی و آن سویی پدیده‌هاست با یکدیگر به نمایش گذاشته می‌شود تا مؤمنین نگاهی نافذ داشته باشند. نگاهی که از ظاهر پدیده‌ها عبور کرده به حقیقت و

جوهره و چهره واقعی آنها در آنسوی عالم دنیا برسد و خیر و شرّ اعمال خود را مشاهده کنند.

وقتی قرآن کریم نعمتهای بهشتیان را توصیف می‌کند و نشان می‌دهد در مقابل هر کار خیر و شری چه چیزی در انتظار عاملین آن است و قرآن را عهد الهی خوانده و دستور قرأنت و تکرار آن را داده، معنایش این است که باید اکنون دیده آخرت بین ما باز شود و بتوانیم خیر و شر اعمال خود را ببینیم.

حیلت آن کن تا که پیش از مرگ بشناسی مگر

تو ز اصحاب الیمینی یا ز اصحاب الشمال

گر سزای دوزخی، برخویشتن چندین نماز

ور سزای جنتی بر خویشتن چندین مبال